

## آدم ربایی مرد کلکسیون دار

## تهرانی در شهرک غرب

مرد کلکسیون دار تهرانی باور نمی کرد در مزون لوازم لوکس و آنتیکش هدف حمله سه مرد قوی هیکل قرار بگیرد. این مرد ثروتمند فریب خور دو در حالی که به مردی غریبه اعتماد کرده بود با پای خود به کمینگاه مردان تیهکار رفت. مرد کلکسیون دار سال ها بود در شهر به اروپا به دلیل علاقه ای که به جمع آوری اشیای قیمتی داشت لوازم کمیاب را می خرید و به خانه اش در تهران می آورد. او همیشه نگران کلکسیون میلیار دی اش بود تا این که تصمیم گرفت هر چه را دارد بفروشد بدون این که بداند چه سر نوشتی برایش رقم خواهد خورد.

■ **دسیسه**

چندی پیش مرد شیک پوشی در حالی که آشفته بود با پلیس تهران تماس گرفت و ادعای عجیبی کرد. کیارش وقتی تیمی از ماموران تجسس کلانتری را پیش روی خود دید در حالی که دستانش می لرزید و وحشت زده بود ادعا کرد سه مرد قوی هیکل کلکسیون میلیار دی اش را غارت کرده اند. وی وقتی برای تشکیل پرونده سرقت پیش روی باز پرس دادسرای ناحیه ۲۷ تهران قرار گرفت، گفت: من خیلی به اروپا سفر می کنم و از همه کشور ها به ویژه آلمان وسایل آنتیک و لوکس می خرم به تهران می آورم. کیارش ادامه داد: می شود گفت کلکسیون دار هستم اما به مرور زمان اقدام به فروش این وسایل می کردم از این رو تعدادی مشتری داشتم که به خانه ام رفتند آمد می کردند آن ها از دوستان بیشتری داشتم باشم شنیده بودند من عتیقه فروش هستم و بار ها از من خرید کرده بودند.

هیچ کد امشان را خوب نمی شناختم اما چون مشتری بودند بین ما دوستی برقرار بود و به بسیاری از آن ها اعتماد داشتم تا این که به برخی گفتم علاقه دارم وسایلم را به صورت عمومی تر به نمایش بگذارم تا مشتریان بیشتری داشته باشم هر کسی پیشنهادی می داد تا این که یکی از آن ها وقتی تمایل من را دید اصرار کرد روش اورا انتخاب کنم.

کیارش سری از افسوس تکان داد و گفت: این پیشنهاد وسوسه انگیز بود میثم ادعا کرد می داند چگونه این مزون را دایر کنند من اصلا به او شک نکرد مدت ها بود با هم آشنا بودیم و این در حالی بود که شناخت کاملی از زندگی اش نداشته شتم.

■ **مزون میلیار دی**

کیارش که هنوز باور ندارد گرفتار دسیسه ای سازمان یافته شده است به باز پرس گفت: اوایل تیر امسال بود که میثم ادعا کرد خانه لاکچری برای راه اندازی مزون کلکسیون من پیدا کرده است که مناسب مشتریان خاص چنین وسایل آنتیکی است و نیازی به پرداخت اجاره هم نیست.

من با شنیدن این خبر با خوشحالی پذیرفتم تا مزون را در خانه ای واقع در شهر ک غرب برپا کنم خیلی ذوق زده بودم و تصمیم

### یابان پرونده مرگ ناخدا ی ایرانی

### در ساحل سومالی

مرگ ناخدای کشتی در جدال با گارد ساحلی در سومالی روی میز قضات دادگاه کیفری استان تهران تحت رسیدگی قرار گرفت.

حیدر که ناخدای کشتی ماهیگیری بود به صورت غیر قانونی آب های ایران را در ۲۲ شهریور سال ۹۶ همراه هشت سرنشین کشتی اش ترک کرد. این کشتی در فاصله ۶۰ کیلومتری سومالی بود که گارد ساحلی آن ها را متوقف کرد. در جدالی که در این میان صورت گرفت بود ناخدا حیدر را اثر شلیک گلوله گارد ساحلی جان سپرد و سرنشینان کشتی ماهیگیری به کشور بازگشتند.

با مرگ ناخدای کشتی او لیای دم وی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران من راجعه و در خواست کردند دیه از صندوق بیت المال به آن ها پرداخت شود.

قضات دادگاه پس از این در خواست بار دیگر به بررسی پرونده پرداختند و دریافتند ناخدا حیدر و سرنشینان کشتی اش به صورت غیر قانونی به حوالی سومالی رفته بودند.

بنابر این گزارش، قضات جنایی این در خواست را رد کردند و این حکم در شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور تأیید و قطعی شد.



داشتم محبت میثم را هم با پرداخت میزان قابل توجهی از پول حاصل از درآمد فروش کلکسیونم جبران کنم. کیارش افزود: میثم خیلی دلسوزانه رفتار می کرد و من را به خانه بسیار شیک و خیرهgrab بر دو ان او شنیدم آن جاتعلق به دوست صمیمی اش است که در آن بیشتر مزون لباس برپا بوده و حالا خالی است و برای چند روز می توانیم از آن استفاده کنیم. میثم ادعا کرد دو ستش هیچ پولی نمی گیرد و این باعث شد خدوم را خیلی مدیون میثم بدانم حتی به او گفتم از این که با او آشنا هستم خیلی خوشحالم. رفتار میثم خیلی درست و انسانی بود به طوری که تصمیم داشتم بعد از فروش کلکسیونم در مزون، دوستی ام را با میثم بیشتر کنم و دیگر به او به چشم مشتری نگاه نکنم.

■ **برپایی مزون میلیار دی**

مرد کلکسیون دار در این مرحله همه وسایل آنتیک و لوکس خود را که ارزشی میلیار دی داشت به خانه دوست میثم انتقال داد و با وسواس خاصی آن ها را چید این در حالی بود که تصور می کرد با گشایش مزون هر کسی وارد این خانه شود حتما خرید خواهد کرد و خیلی زود به میلیار دها تومان دست خواهد یافت.

■ **آدم ربایی**

کیارش گفت: مزون آماده بود میثم هم خیلی به من کمک کرد. تصمیم داشتم ایشتم از فردای آن روز به صورت رسمی مزون را افتتاح کنیم من تنها بودم و قرار بود میثم بیاید که در باز شد او با دو مرد قوی هیکل داخل آمد تصور کردم دوستانش هستند و برای دیدن مزون آمده اند اما نگاه ها و رفتارشان فرق داشت خواستم

**تحلیل کارشناس**

**اعتماد های در دسرساز**

دکتر مهدی عقیدتی، جرم شناس گفت: بیشترین پرونده هایی که در آن شاهد کلاهبرداری و خیانت در امانت حتی آدم ربایی و سرقت هستیم به دلیل اعتماد های در دسرسازی است که مال باخته ها به دوستانشان یا حتی فراتر به غریبه ها می کنند. وی ادامه داد: افراد جامعه باید بدانند برخی داشته های خصوصی شان که ارزش و قیمتی بالا دارند می تواند برای دیگران وسوسه انگیز باشد و بهتر است راز دار خودشان باشند و حتی نزد برخی از نزدیک ترین دوستان و آشنایان درباره آن چه دارند حرفی نزنند چرا که وسوسه ممکن است یک فاجعه به بار آورد. این جرم شناس گفت: بارها شاهد بودیم یک فرد معمولی که روحیه سرقت و خلاف ندارد در شرایطی قرار می گیرد که تسلیم وسوسه می شود و دست به جرم می زند که البته بخشی از اشتباهش به گردن مال باخته است چرا که با رونمایی از داشته هایش او را به وسوسه انداخته است. دکتر عقیدتی اظهار

کرد: از سوی دیگر اعتماد به غریبه ها آن هم به دلیل یک رفت و آمد کاملاً تعریف شده و بدون شناخت کافی از یکدیگر می تواند هر کسی را به در دسربیندازد. در این پرونده مشاهده کردیم که مال باخته به کسی که شاید تنها شماره تلفن همراش را دارد اعتماد کرده و این اجازه را به او داده است که اقدام به آدم ربایی و سرقت کند و خیلی خوش شانس بوده است که بالای بدتری بر سرش نباورده اند. اصولاً اعتماد به مردم جزو اخلاق پسندیده است اما باید در آن اصولی هم برقرار باشد و مردم باید برای رفتارهایشان چارچوبی در نظر بگیرند. این مرد مال باخته نباید به تنهایی با کسی که تقریباً غریبه بود وارد چنین بازی خطرناکی می شد. این جرم شناس در پایان گفت: تاکید می کنم تنها اعتماد به غریبه ها خطرناک نیست بلکه در خصوصی انسانیان هم باید مراقب اعتمادمان باشیم و همیشه بخش هایی از زندگی مان که مالی، چه اخلاقی و چه عاطفی را خصوصی برای خودمان حفظ کنیم چه بسا مشاهده کرده ایم در دال ساده با آشنایان درباره مسائل زندگی زناشویی به باعث سوء استفاده ها و ضرباتی جبران ناپذیر شده است.

از میثم چیزی بیرسم که ناگهان با تغییر لحن او روبه رو شدم. او خیلی پر خاشگرانه به من توهین کرد. شو که شده بودم خواستم حرفی بزنم که درود قوی هیکل به من حمله کردند آن ها بی رحمانه چند سیلی و لگد به من زدند. می خواستم فریاد بزنم که جلوی دهانم را محکم گرفتند بعد هر سه مرد دست و پایم را

## ابهام ۱۲ ساله در دار زدن پسر فوتبالیست

پسر فوتبالیست باتوش از خانه خارج شد تا این که جسدش روی طناب دار در تپه های زیباشهر تهران پیدا شد. بعد از گذشت ۱۲ سال هنوز راز قتل این پسر نوجوان فاش نشده است.

■ **آخرین دیدار**

عصر یازدهم اردیبهشت سال ۸۶ بود که پسر ۱۲ ساله ای به نام احسان در منطقه شهرزیا ناپدید شد. شواهد نشان می داد پسر بچه برای بازی فوتبال با دوستانش از خانه خارج و به طرز موزی ناپدید شده است. مادر احسان وقتی غیبت پسرش طولانی شد به جست و جوی او پرداخت و بعد از ساعت ها با پلیس تماس گرفت. این زن در حالی که هراسان بود به پلیس آگاهی مراجعه کرد و گفت: پسرمد دیروز در حالی که توش را برداشته بود برای بازی فوتبال به کوچه رفت اما تا عصر به خانه برگشت. من همه جا را دنبال او گشتم اما دوستانش می گویند از او خبری ندارند. با این شکایت تلاش پلیس

## بررسی حوادث

بستندتصور این بود که کار تمام است و من را خواهند کشت اما آن ها با خونسردی من را از خانه خارج کردند و در صندوق عقب خودرو انداختند شک نداشتم که کشته می شوم و آن ها برای این که آن خانه کثیف نشود من را جای دیگری می برند تا به قتل برسانند.

مرد کلکسیون دار ادامه داد: در صندوق عقب هر چه تلاش کردم خودم را رها کنم نتوانستم احساس کردم از هیاهوی شهر دور شده ایم بیش از یک ساعت در راه بودیم با خود فکرمی کردم چرا میثم این بلاراسر من آورده است بعد متوجه شدم اصلا او را کامل نمی شناختم و نباید به او اعتماد می کردم اما کار از کار گذشته بود و خودرو با خروج از جاده اسفالت داخل زمین خاکی شده بود. احساس می کردم من را به بیابان برده اند ناگهان خودرو از حرکت ایستاد. آن ها من را از صندوق عقب بیرون کشیدند. متوجه شدم وسط بیابان هستم و در اطرافم هیچ چیزی دیده نمی شود. میثم و همدستانش من را همان جاری زمین انداختند و سوار خودرو شدند و پابه فرار گذاشتند احساس می کردم یادست و پای بسته در آن بیابان برهوت خوراک جانور ها می شوم یا از تشنگی خواهم مرد با این حال تلاش کردم دست و پایم را باز کنم بعد به سختی خودم را به اولین جاده رساندم و به تهران برگشتم.

■ **صحنه باور نکردنی**

کیارش گفت: وقتی به مزون رفتم با صحنه ای باور نکردنی روبه رو شدم. میثم و همدستانش آن جا را خالی کرده بودند همه لوازم آنتیک و لوکس من که ارزش آن میلیاردها تومان بود به سرعت رفته بود. به تلفن همرا میثم تماس گرفتم تا راضی اش کنم وسایل را برگرداند اما خاموش بود. به این ترتیب به پلیس مراجعه و شکایت کردم.

■ **دستور قضایی**

باز پرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران وقتی از آدم ربایی و سرقت میلیار دی مطلع شد دستور داد تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران برای رازگشایی از این سرقت و دستگیری میثم و همدستان ناشناس اش وارد عمل شوند.

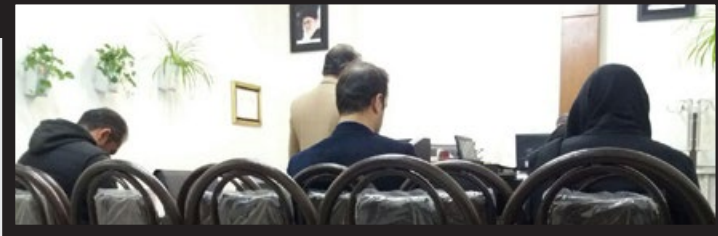
■ **راز خانه لاکچری**

کارآگاهان پس از شنیدن اظهارات کیارش برای دستگیری دزدان آدم را تحقیقات پلیسی را آغاز کردند و در گام نخست به خانه ای که محل دستبردورده شدن کیارش بود، رفتند. ماموران پی بردند که میثم خانه را برای اجرای نقشه اش طبق قرار داد از صاحبخانه تنها برای یک شب اجاره کرده بود. همین موضوع نشان داد که میثم با طراحی یک دسیسه ماهرانه کیارش را فریب داده و با سوء استفاده از اعتماد او دست به این سرقت میلیار دی زده است.

■ **فیلم سرقت**

تیم پلیسی در ادامه به سراغ دوربین های مدار بسته داخل ساختمان رفتند و تصاویر مشخص شد که سه مرد با بستن دست و پا و دهان کیارش، او را به داخل خودرو ویشان منتقل کردند و بعد از چند ساعت وسایل لوکس و آنتیک مرد کلکسیون دار را که ارزش آن ها سه میلیارد تومان بوده به سرعت بردند.

ماموران در این مرحله با به دست آمدن تصاویر مردان قوی هیکل تجسس ها را برای دستگیری آنان آغاز کردند اما هنوز هیچ ردی از دزدان میلیار دی به دست نیامده است. بنا بر این گزارش، تحقیقات ماموران پلیس آگاهی تهران برای دستگیری دزدان قوی هیکل ادامه دارد.



دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یک مستشار حاضر شدند و خواستند تا دیه فرزندان اش از بیت المال به آن ها پرداخت شود. مادر احسان در حالی که اشک می ریخت گفت: ۱۲ سال قبل پسرم برای بازی از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت نمی دانم چه کسی و با چه انگیزی او پسر مرا کشته است. من بارها از دوستان او که حالا مرد شده اند سوال کردم تا شاید چیزی به خاطر بیاورند اما به هیچ نتیجه ای نرسیدم. حالا دیگر ناامید شده ام و تقاضا دارم تا دیه فرزندم از صندوق بیت المال به ما پرداخت شود.

راندنده پژو را دریایی و بازداشت کرد اما هیچ

مدرکی علیه وی به دست نیامد. راندنده پژو گفت: من پسر بچه را از سر خیابان سوار کردم و حدود یک کیلومتر آن طرف تر پیاده شد. فکر می کردم قصد رقتن به باشگاه ورزشی را دارد. او هیچ حرفی به من نزد.

■ **راز سر به مهر**

در حالی که هیچ مدرکی علیه راندنده پژو به دست نیامده بود وی آزاد شد و راز کشته شدن پسر ۱۲ ساله سر به مهر باقی ماند.

با گذشت ۱۲ سال از این ماجرا و در حالی که هیچ ردی از عامل یا عاملان این جنایت پیدا نشده بود پدر و مادر احسان در شعبه

■ **جسدی روی طناب دار**

در حالی که شبانه روز از ناپدید شدن احسان گذشته بود پلیس جنازه وی را در حالی که شواهد نشان می داد با طناب خفه شده است در بلندای تپه ای در حاشیه منطقه شهرزیا پیدا کرد. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس برای رازگشایی جنایت خاموش به تکاپو افتاد.

■ **بازداشت یک مظنون**

در تحقیقات محلی روشن شد احسان آخرین بار سوار یک پژوی مشککی دیده شده است. پلیس با اطلاعاتی که از شاهدان گرفت

**آگهی تغییرات شرکت خدمات حفاظتی و مراقبتی نظام نوس**

**موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۵۱۲۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۰۷۳۸۹۰**

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۸ و نامه شماره ۱۹۴۵/۳/۳۳۵/۱۹۲ مورخ ۹۷/۵/۱۶ پلیس پیشگیری فا. استان خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمد ابراهیم لطفی قزایی به کد ملی ۶۴۳۹۴۱۶۹۴۴ به سمت مدیر عامل و خانم محبوبه مینایی تهرانی به کد ملی ۰۰۳۰۸۱۰۰۳۵ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای علی شعبان به کد ملی ۰۶۸۱۷۱۳۱۳۵ به سمت نائب رئیس موسسه انتخاب گردیدند و حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد اورا شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها، عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضای مدیر عامل (آقای محمد ابراهیم لطفی قزایی) و خانم محبوبه مینایی تهرانی (رئیس هیئت مدیره) و آقای علی رضا عباسپور ( عضو هیئت مدیره ) همراه با مهر موسسه معتبر می باشد.

**اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۰۲۰۲۲)**

۶/۹۸۰۵۰۲۰۲

## ۹

ازمیان‌خبرها

**صبح امروز با دستور قاضی کشکولی رسمیت پیدا می کند**

### محاکمه علنی نجفی در پرونده قتل میترا استاد

پرونده یکی از جنجالی ترین قتل های تاریخ ایران صبح امروز روی میز قضات عالی رتبه جنایی تهران قرار خواهد گرفت.

میترا استاد هسرم دوم محمد علی نجفی روز هفته خرداد در خانه لاکچری اش واقع در برج آر میتای سعادت آباد تهران به قتل رسید.

از همان دقایق نخست، با نوشته هایی که از نجفی در صحنه قتل و خانه دخترش بر جای مانده بود پلیس و مقام قضایی هیچ شکی نداشت که قاتل کسی جز او نیست.

نجفی در بازجویی ها گفت: در یک سالی که با میترا ازدواج کرده ام خیلی تحت فشار بودم. او من را زندانای خودش کرده بود مرتب دعوا می کردیم حتی کتبی کاری زیادی داشتیم و او من را به افشای برخی مسائل خصوصی ام که به واسطه این که همسرم بود از آن ها اطلاع داشت، تهدید می کرد.

وی در براره روز جنایت گفت: شب دعوی سختی داشتم و دوباره من را تهدید کرد تا این که صبح پسرش به مدرسه رفت تا امتحان بدهد میترا هم به حمام رفت و تلفن همراهم را هم با خودش برد خیلی عصبی بودم از او شنیدم بعد از حمام بیرون می رود وقتی پرسیدم به کجای می رود گفت به تو ربطی ندارد.

نجفی افزود: می خواستم با اسلحه میترا را بترسانم روی ضامن گذاشتم که بزرگترین اشتباهم بود بعد به حمام رفتم میترا هنوز داخل وان نشده بود. تنگن را ستمش گرفتم و گفتم این کار هایت را بس می کنی یا نه؟! او ترسید و ملتسمانه خودش را روی شانه هایم انداخت و هم زمان دستمان را گرفت و به سمت بالا برد گلوله ها شلیک شدند که به او دیوار اصابت کردند وقتی میترا بی جان روی زمین افتاد خیلی پشیمان شدم سریع خانه را ترک کردم یادداشت هایش نوشتم که علت قتل را که بیان کرده باشم سپس به قم رفتم سر خاک پدر و مادرم از آن ها عذر خواهی کردم بعد برگشتم تا تسلیم شوم.

با توجه به جنجالی شدن پرونده این قتل که حاشیه هایش مهم تر از خود جنایت شده بود به ویژه این که نجفی ادعا کرده بود یک مرد در مزون همه رفتارهای او را در واتس آپ به میترا گزارش می کرد خیلی زود کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به قاضی کشکولی در دادگاه کیفری یک استان تهران سپرده شد.

در این مرحله سه وکیل مسئولیت دفاع از نجفی را بر عهده گرفتند که وکیل طباطبایی به همراه خانم و کیلی عقیایی و مهم ترین وکیل جنایی که کودرزی قاضی پرونده های جنجالی خفاش شب و شاه رخ و سمیه بود به خواندن پرونده پرداختند و خواستار رفع ایرادها شدند.

این در حالی است که خانواده میترا استاد پس از اظهار نظرهای پراکنده و اصرار به قصاص نجفی آخرین روز کاری قبل از محاکمه دو وکیل به دادگاه معرفی کردند.

بنابر این گزارش، صبح امروز این جلسه قضایی آغاز خواهد شد. به نظر می رسد ماجرای این قتل حداقل دو جلسه نیاز داشته باشد که بخشی علنی و بخشی دیگر غیر علنی خواهد بود.

ردیف	شماره مناقصه	موضوع	برگزارکننده	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ ضمانتنامه (ریال)	آخرین مهلت تحویل
۱	۹۸۰۱۲	مناقصه عمومی املاک هندسی سطح منطقه فاز پنج	منطقه ۱۰	۱۱,۰۰۰,۹۹۲,۲۹۵	۳۹,۸۰۰,۲۹۸	۱۳۹۸/۰۵/۰۴
<b>محل تحویل پیشنهادات: شهرداری منطقه ۱۰</b>						
<b>جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت ets.mashhad.ir مراجعه شود</b>						
<b>شهرداری منطقه ۱۰</b>						

**نایس موسسه غیر تجاری کانون بزه دیده یاران دادیه در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۵ به شماره ثبت ۶۱۵۰ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۱۷۱۶**

ثبت و امضا ذیل دفتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع: بنابر نامه شماره ۳۸/۲۲/۴۵۰۹ مورخ۱۳۹۷/۰۲/۲۴ استانداردای کلبه فعالیتهای کانون غیرسیاسی و غیرانتفاعی غیردولتی بوده و در موضوع اجتماعی با رعایت کامل قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و این اساسنامه فعالیت خواهد نمود. مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان خراسان رضوی - شهرستان مشهد - بخش مرکزی - شهر مشهد- وکیل آباد- خیابان صدفا وکیل آباد-فرهنگ ۴-۴۳ خیابان صدف ۳-۳-۳ پلاک ۱- طبقه همکف- کد پستی ۹۱۸۸۹۴۵۱۸۵سرمايه شخصيت حقوقی: ۰۹۴۱۹۲۹۷۱۱و به سمت عضو هیئت مدیره: ۰۹۴۶۹۴۳۶۰۲دارنده۰۷۷۸۹۵۳۳۳۷دارنده۰۷۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم فاطمه غلامپور فریمانی به شماره ملی ۰۸۴۸۵۴۳۶۰۲دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم ربیعہ نورانی به شماره ملی ۰۹۲۱۶۵۷۲۳۱دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم فاطمه ارفعی فرد به شماره ملی ۰۹۳۲۷۰۷۴۴۴دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم ناهید مشهدی به شماره ملی ۰۹۳۸۱۰۹۹۶۰دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم راهله ناصریان نژاد به شماره ملی ۰۹۴۵۷۶۲۱۲۷دارنده۰۹۴۱۹۲۹۷۱۱دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم سمانه حسین پور به شماره ملی ۰۹۴۶۹۴۳۶۰۲دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم سلما بهروز دهکردی به شماره ملی ۰۹۲۱۶۵۷۲۳۱دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه اولین مدیران: خانم شهین نورانی جشن آبادی به شماره ملی ۰۷۷۸۹۵۳۳۳۷و به سمت مدیرعامل و خانم ناهید مشهدی به شماره ملی ۰۹۳۸۱۰۹۹۶۰و به سمت عضو هیئت مدیره خانم ناهید مشهدی به شماره ملی ۰۹۳۸۱۰۹۹۶۰و به سمت عضو هیئت مدیره خانم راهله ناصریان نژاد به شماره ملی ۰۹۴۵۷۶۲۱۲۷و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل خانم سمانه حسین پور به شماره ملی ۰۹۴۶۹۴۳۶۰۲دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم فاطمه ارفعی فرد در محمد بهروز دهکردی به شماره ملی ۰۹۲۱۶۵۷۲۳۱دارنده۰۲۰۰/۰۰۰۰ریال سهم الشرکه خانم فاطمه ارفعی فرد در محمد حسن به شماره ملی ۰۹۳۲۷۰۷۴۴۴و به سمت خزانه دار دارنده نایب حق امضا: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضای مدیر عامل و خزانه دار و در غیاب خزانه دار با امضای رئیس هیئت مدیره و با مهر انجمن معتبر خواهند بود. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه -فاطمه تندیسبه زاده به کد ملی ۰۹۴۵۷۶۲۱۲۷بعنوان بازرس اصلی هیئت مدیره وفاطمه غلامپور به کد ملی ۰۸۴۸۵۴۳۶۰۲بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند

**اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۰۲۰۲۲)**

۶/۹۸۰۵۰۲۰۲